

# معرفی یک مدل کاربردی برای سنجش امنیت انسانی

احسان شاهسوند\*

## چکیده

امنیت انسانی اغلب در ادبیات مربوطه به عنوان یک تحول ویژه در مفاهیم سنتی امنیت معرفی می‌گردد. اگرچه که این مفهوم امروزه در محیط‌های علمی، سیاسی و بین‌المللی اعتبار ویژه‌ای کسب نموده، در عین حال انتقادات زیادی را نیز به واسطه‌ی ابهام در مفاهیم برانگیخته است. در واقع هنوز یک تعریف جهانی از موضوع ارائه نگردیده و به این دلیل مدل‌های پیشنهاد شده اغلب شاخص‌های بسیار متفاوتی را در سنجش امنیت انسانی مورد استفاده قرار می‌دهند. هدف از پژوهش حاضر به عنوان یک مقاله‌ی مفهومی، معرفی عمده‌ترین مدل‌های سنجش امنیت انسانی از قبیل مدل فقر تعمیم یافته، ممیزی امنیت انسانی، شاخص عدم امنیت انسانی، مدل گزارش امنیت انسانی و شاخص مرگ و میر در امنیت انسانی و مطالعه‌ی ضعف‌های عمده‌ی هر مدل می‌باشد. این پژوهش سپس با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری جدید و با تلاش برای بهره‌گیری از نقاط قوت مدل‌های مطرح شده سعی دارد مدل تازه‌ای برای سنجش و مقایسه‌ی امنیت انسانی پیشنهاد نماید. با استفاده از نمایه‌ی اندازه‌گیری تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه به عنوان شدیدترین تهدید علیه امنیت انسانی، بدون محدود نمودن دامنه‌ی عوامل، شاخص‌های مختلفی نظیر مرگ و میر در اثر بلایا، بیماری‌ها، جنگ، قتل عام و حتی تصادفات رانندگی و حوادث ناشی از کار در مدل لحاظ گردیده‌اند. در مورد چگونگی اعمال تهدیدهای دیگر نیز توضیحاتی ارائه شده است. نهایتاً نقش مدل پیشنهادی در قالب یک مدل جامع امنیت انسانی مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت انسانی، شاخص‌های امنیت انسانی، مدل عمومی امنیت انسانی

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور بیرجند، پست الکترونیکی: [eshahsavand@yahoo.com](mailto:eshahsavand@yahoo.com)

## مقدمه

دگرگونی های بسیار گسترده و سریع جهانی در زمینه های مختلفی از قبیل فن آوری، سیاست، اقتصاد و مسائل محیطی، تحول نوینی را در نگرش به موضوع امنیت و مفاهیم سنتی آن ایجاد نموده است. [۳] نتیجه ی این تحول شگرف را می توان در توجه وسیعی که در محیط های علمی، سیاسی و بین المللی به موضوع امنیت انسانی معطوف گردیده، مشاهده نمود. متأسفانه گستردگی این توجه و تنوع دیدگاه های مطرح شده در خصوص امنیت انسانی تا به حدی است که دستیابی به یک چارچوب مشترک را جهت تعریف آن دشوار ساخته است. [۲]

فقدان یک تعریف همه پسند و جهانی در خصوص موضوع از یک سو انتقادات گسترده ای را متوجه آن کرده است و از سوی دیگر سبب انحراف توجه پژوهش گران از راهکارهای عملی به بحث و جدل های شناخت شناسانه ای شده است که به واسطه ی دامن زدن به دامنه ی ابهامات در راه رسیدن به اهداف عملی برای ارتقاء امنیت انسانی مانع جدی ایجاد نموده است. [۱۵] همین ابهام بر تعیین شاخص هایی برای سنجش امنیت انسانی نیز سایه افکنده است به طوری که هنوز در این خصوص اشتراک نظر عمومی وجود ندارد و پژوهش گران مختلف هرکدام بر اساس دیدگاه های خاص خود اقدام به ارائه ی تعریف و طراحی مدل های اندازه گیری نموده اند. [۱۳]

به این دلیل همانگونه که اوون<sup>۱</sup> اظهار می دارد قبل از پرداختن هر موضوعی در زمینه ی امنیت انسانی، از بین بردن ابهام موجود و تعیین شاخص های عملیاتی دقیق برای آن که توافق عمومی در خصوص آن وجود داشته باشد، باید به عنوان مهمترین مسئله ی مورد توجه پژوهشگران موضوع امنیت انسانی در نظر گرفته شود. [۱۴]

تلاش های زیادی که برای حل این مسئله صورت گرفته است نهایتاً تمامی نگرش های موجود را به دو دسته تقسیم بندی نموده اند. در یک سمت این طیف، نگرش کلی نگر به موضوع امنیت انسانی وجود دارد. بر مبنای این نگرش تمامی تهدید هایی که به هر شکل و در هر سطح می توانند بر مسئله ی امنیت انسان تأثیر گذار باشند باید معین شده و در شاخص های مربوطه در نظر گرفته شوند. بر این اساس عواملی چون حقوق بشر، امنیت اخلاقی و سطح مردم سالاری باید در کنار عواملی چون بلایای طبیعی و جنگ مورد

<sup>۱</sup> Owen

توجه قرار گرفته و در محاسبات مربوط به سنجش امنیت انسانی مورد سنجش قرار گیرند. [۱۱] از جمله ی مهمترین این نگرش ها می توان به تعریف کمیسیون امنیت انسانی اشاره کرد که امنیت انسانی را چنین تعریف می نماید: [۵]

*امنیت انسانی یعنی محافظت از آزادی های اساسی انسانی، آزادی هایی که برای حیات انسان ضروری هستند. امنیت انسانی همچنین به معنی محافظت از مردم در برابر تهدیدهای شدید و گسترده و استفاده از فرایندهایی است که توانایی های آنان را افزایش می دهد.*

مدل هایی که بر اساس نگرش کلی نگر برای سنجش امنیت انسانی طراحی شده اند با این که به واسطه ی تلاش برای در نظر گرفتن همه ی عوامل تهدید کننده ی امنیت انسانی از مبانی نظری قابل احترامی برخوردار می باشند، متأسفانه در عمل با اشکالات زیادی روبرو هستند. شاخص های تشکیل دهنده ی این مدل ها عموماً کلی و مبهم هستند و آمار و اطلاعات دقیقی در خصوص آن ها وجود ندارد. علاوه بر این، شاخص های مورد اندازه گیری در این مدل ها تحت تأثیر نگرش های سلیقه ای و سیاسی قرار دارد و بدین ترتیب در جوامع مختلف برداشت های متفاوتی را بر می انگیزاند. این امر سبب می شود که نتایج حاصل از اندازه گیری ها و مقایسات به ندرت مورد پذیرش عمومی قرار گیرد.

در سوی دیگر این طیف نگرش جزئی نگر قرار دارد که با هدف عملیاتی کردن سنجش امنیت انسانی، قابلیت اندازه گیری را به عنوان یک ویژگی اساسی برای شاخص های مربوط به امنیت انسانی می پذیرد. مرکز امنیت انسانی واقع در دانشگاه بریتیش کلمبیا با محدود کردن حیطه ی عمل امنیت انسانی در قالب محافظت از اشخاص و اجتماعات در مقابل خشونت های ناشی از جنگ و قتل عام، نمونه ی چنین نگرشی را ارائه نموده است. [۱۱]

به دلیل کاربرد بیشتر و سهولت استفاده، این نگرش بسیار مورد توجه قرار گرفته است به طوری که تأثیر افزایش نفوذ این نگرش را حتی می توان در گزارش امنیت انسانی سال ۲۰۰۵ و در جایی که با تعریف هر دو نوع نگرش به وضوح از کاربرد نگرش جزئی نگر جانبداری شده است، دید. [۷] با این وجود توجه نگرش جزئی نگر به قابلیت اندازه گیری و نیز تلاش این نگرش به محدود نمودن لیست تهدیدها علیه امنیت انسانی اغلب راه را برای تعدیل تعریف امنیت انسانی باز نموده است. بسیار دیده شده که عوامل مبهم به دلیل آن که قابل اندازه گیری نیستند به سادگی از حیطه ی تعریف امنیت انسانی خارج شده اند که البته این امر به مبانی نظری مدل های مربوط به شدت آسیب می رساند. برخی از مدل های مبتنی بر این نگرش آنقدر ساده انگارانه با مفهوم امنیت انسانی برخورد می کنند

گاهی به سختی می توان پذیرفت آنچه که آن مدل می سنجد شاخصی برای اندازه گیری امنیت انسان هاست.

مقاله حاضر سعی دارد در ابتدا به بررسی رایج ترین مدل های اندازه گیری وابسته به هرکدام از دو نگرش فوق الذکر بپردازد و بر اساس یک روش تحلیلی نقاط ضعف عمده ی آنان را مطرح نماید. سپس به معرفی یک مدل کاربردی برای اندازه گیری امنیت انسانی خواهد پرداخت و توضیح خواهد داد که مدل مذکور چگونه علاوه بر داشتن قابلیت محاسباتی مناسب بر پایه ی مبانی نظری محکمی نیز استوار است.

### شاخص های رایج برای اندازه گیری امنیت انسانی و بررسی نقاط ضعف آن ها

همان گونه که اشاره شد مدل های متعددی برای سنجش امنیت انسانی به کار می روند و بر حسب نوع نگرش، تدوین کنندگان آن از شاخص های متفاوت در تعیین این که چه مواردی از تهدید را می توان به عنوان عوامل مخل امنیت انسانی به حساب آورد بهره گرفته اند. در این جا به عمده ترین آن ها اشاره می شود:

#### مدل فقر تعمیم یافته<sup>۱</sup>

در این مدل با تعمیم مفهوم فقر اقتصادی ابعاد دیگری از کیفیت زندگی انسانی مطرح شده است. کینگ و موررای<sup>۲</sup> معتقدند همان گونه که قرار گرفتن زیر خط فقر اقتصادی بر اساس تعیین میزان خاصی از درآمد مشخص می گردد، در مورد هرکدام از ابعاد دیگر کیفیت زندگی انسانی نیز خارج شدن از محدوده ی قابل قبول را می توان به عنوان مصداقی از عدم امنیت انسانی به حساب آورد. ابعاد مورد نظر ایشان برای کیفیت زندگی انسانی عبارتند از: درآمد، سلامتی، تحصیلات، دموکراسی و آزادی سیاسی. [۸] این ابعاد و نمایه های مورد استفاده در اندازه گیری آن در جدول شماره ی یک نمایش داده شده اند.

کینگ و موررای این مدل را برای محاسبه ی سه مقیاس در سطوح زمانی مختلف به کار می برند و به وسیله ی آن ها به تحلیل وضعیت امنیت انسانی می پردازند. نخستین مقیاس، سال های امنیت انسانی فردی<sup>۳</sup> است که به نام YIHS شناخته می شود و نشان دهنده ی سال هایی است که فرد از کیفیت زندگی مناسبی برخوردار است. مقیاس

<sup>1</sup> Generalized Poverty

<sup>2</sup> King and Murray

<sup>3</sup> Years of Individual Human Security

دیگر تحت عنوان امنیت انسانی فردی<sup>۱</sup> یا IHI درصدی از طول زندگی است که انتظار می رود فرد در آن از حداقلی از کیفیت زندگی برخوردار باشد. مقیاس آخر، سالهای امنیت انسانی کل جمعیت<sup>۲</sup> می باشد که در سطح کلان تری به تحلیل می پردازد. [۸]

جدول یک: مدل فقر تعمیم یافته

شاخص های تشکیل دهنده ی مدل						نام مدل
آزادی سیاسی	دموکراسی	تحصیلات	سلامتی	درآمد	نام شاخص:	فقر تعمیم یافته
نسبت مشارکت افراد بالغ در انتخابات	شاخص آزادی اجتماعی Freedom House	نسبت جمعیت بیسواد	مقیاس کیفیت سلامت	تولید ناخالص ملی سرانه	نمایه ی مورد محاسبه:	

مدل فقر تعمیم یافته به وضوح بر اساس تعریف هفت زمینه ای برنامه ی توسعه ی سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> شکل گرفته است. [۱۶] در تعریف مذکور امنیت انسانی، هفت حوزه ی اقتصادی، غذا، سلامتی، اجتماعی، محیطی، سیاسی و شخصی را در بر می گیرد. به همین دلیل به نظر می رسد که مفهوم امنیت انسانی سنجیده شده در مدل، اختلاط زیادی با مفاهیم وابسته به توسعه پیدا کرده است که در واقع تمییز بین این دو مقوله را بسیار دشوار می سازد. [۱۲]

علاوه بر این، لحاظ کردن عواملی مانند آزادی سیاسی که به واسطه ی ماهیت خود مورد مباحثه هستند از مقبولیت عمومی این شاخص می کاهد و ممکن است به جای بررسی تحلیلی و دستیابی به راه حل های عملی، زمینه را برای بحث و جدل های بی پایان سیاسی فراهم نموده و امنیت انسانی را از دستیابی به اهداف خود باز دارد. [۱۰] این امر خصوصاً در کشورهای در حال توسعه از اهمیت دوگانه ای برخوردار است چراکه از یک سو این کشورها نیاز بیشتری به توجه به مقوله ی امنیت انسانی دارند و از سوی دیگر به دلیل تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی امکان بیشتری برای وجود برداشت های متفاوت از مفهوم آزادی سیاسی برای آن ها وجود دارد.

<sup>1</sup> Individual Human Security

<sup>2</sup> The Population Years of Human Security

<sup>3</sup> United Nations Development Program (UNDP)

نکته ی دیگر این که در نظر گرفتن نمایه های ایستا از انعطاف پذیری مدل می کاهد. بدین ترتیب اگر با گذشت زمان به اصلاح نمایه ها و به کار بردن نمایه های دقیق تر نیاز بود به ناچار باید ساختار مدل را به طور کامل متحول کنیم و به این ترتیب امکان استفاده از آن به عنوان ابزار مقایسه ای در مطالعات تاریخی را از دست می دهیم.

### ممیزی امنیت انسانی<sup>۱</sup>

باجپایی<sup>۲</sup> با ترکیب نگرش های عمده ی رایج در مبحث امنیت انسانی عوامل تهدید کننده را به دو دسته ی تهدیدهای مستقیم و تهدید های غیر مستقیم تقسیم نموده است و به کمک آنان سعی دارد تهدید های بالقوه علیه امنیت انسانی را تشخیص دهد. نهایتاً با تعیین قابلیت افراد و کشورها در روبرو شدن با تهدید ها که بر اساس روش های میدانی حاصل می شود به تحلیل وضعیت کلی امنیت انسانی در کشورها می پردازد. [۲] عوامل تشکیل دهنده ی مدل باجپایی در جدول شماره ی دو نمایش داده شده اند.

جدول دو: مدل ممیزی امنیت انسانی

شاخص های تشکیل دهنده ی مدل				نام مدل
<u>سطح بین المللی</u> سلاح های کشتار جمعی، جنگ جهانی	<u>سطح ملی</u> اغتشاشات قومی و مذهبی، جنگ	<u>سطح منطقه ای</u> تروریسم، سرکوب و قتل عام	<u>سطح محلی</u> جنايات شديد، بدرفتاری با زنان و کودکان	تهدید های مستقیم:
<u>جهانی</u> جابجایی جمعیت، مسائل مربوط به محیط، مصرف نابرابر		<u>وابسته به جوامع</u> کمبود آب و غذا، بیماری ها، عدم امنیت مربوط به کار، بلایای طبیعی		تهدید های غیر مستقیم:

با این که این شاخص بسیاری از عواملی که مخل امنیت انسانی هستند در بر می گیرد اما متأسفانه قایل شدن تمایز بین تهدید های مستقیم و غیر مستقیم ممکن است سبب نادیده گرفته شدن اهمیت بسیاری از این تهدیدها گردد. تهدیدهای بسیار جدی نظیر حوادث طبیعی که همواره خسارات جانی و مالی عمده ای را بر جامعه ی بشری وارد

<sup>1</sup> Human Security Audit

<sup>2</sup> Bajpai

می سازند نمی توان یک تهدید غیر مستقیم به شمار آورد. از سوی دیگر محدود نمودن عوامل تشکیل دهنده ی مدل، یکی از ضعف های اغلب مدل هاست چراکه امکان تحول آن را در طول زمان با تغییرات ماهیت تهدیدها و یا بوجود آمدن تهدیدهای جدید غیر ممکن می سازد.

علاوه بر این به نظر می رسد برخی از آمار و اطلاعات مورد نیاز در مدل باجپایی از گونه ای هستند که امکان دستیابی به آن ها خصوصاً در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. متغیر هایی مانند جابجایی جمعیت و یا بد رفتاری با زنان و کودکان به سادگی قابل اندازه گیری نیستند. بدین ترتیب امکان استفاده از این مدل در برخی از کشورها محدود می گردد و از قضا همان طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد این کشورها دقیقاً همان هایی هستند که بیشتر از سایرین به توجه به مسئله ی امنیت انسانی و ارتقاء آن نیازمندند.

نهایتاً باجپایی هیچ روشی را برای تعیین دقیق شدت تهدید پیشنهاد نمی کند. به این ترتیب مدل به دست آمده مخلوطی از آمار و اطلاعات راجع به تهدیدهایی است که اهمیت و شدت آن ها از یکدیگر متمایز نشده است. برای مثال عدم تقارن ناشی از مقایسه ی مسائل مربوط به کمبود غذا با جنگ های بین المللی، مدل را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

### شاخص عدم امنیت انسانی<sup>۱</sup>

این مدل که توسط پروژه ی تغییرات محیطی جهانی و امنیت انسانی<sup>۲</sup> ارائه شده است در واقع معین کننده ی میزان آسیب پذیری جوامع در مقابل تهدیدات امنیت انسانی است و وجود زمینه های بالقوه ای را مورد سنجش قرار می دهد که در شرایط مساعد، تهدید علیه امنیت انسانی را تشدید می کنند. [۴] این عوامل در جدول ۳ نمایش داده شده اند. استفاده از روش های آماری قدرتمند در برآورد نمودن این مدل از نقاط قوت این روش به شمار می رود.

بسیاری از انتقادات مطرح شده در خصوص مدل های پیشین را می توان مجدداً در رابطه با مدل حاضر نیز مطرح نمود. از جمله ی این موارد می توان به عدم وجود تقارن، لحاظ کردن شاخص هایی که موضوع اختلاف نظر های سیاسی هستند (مانند درجه ی مردم سالاری و شاخص آزادی انسانی) و اختلاط مفاهیم امنیت انسانی با مفاهیم توسعه ای اشاره نمود. علاوه بر این شاخص های مورد سنجش در مدل عدم امنیت انسانی اساساً

<sup>۱</sup> Index of Human Insecurity

<sup>۲</sup> The Global Environmental Change and Human Security Project (GECHSP)

فرعی و غیر مستقیم هستند و در واقع هیچ ملاک قطعی و عینی را برای سنجش تهدیدات واقعی علیه امنیت انسانی مطرح نمی نمایند.

جدول سه: مدل عدم امنیت انسانی

شاخص های تشکیل دهنده ی مدل				نام مدل
<b>بنیادی</b>	<b>اقتصادی</b>	<b>محیطی</b>	<b>اجتماعی</b>	عدم امنیت انسانی
نسبت هزینه های دفاعی به هزینه های آموزشی سرمایه گذاری ناخالص محلی درجه ی مردم سالاری شاخص آزادی انسانی	تولید خالص سرانه ی واقعی رشد تولید ناخالص سرانه نسبت بی سوادان ارزش واردات و صادرات	خالص واردات انرژی فرسایش خاک آب سالم سطح زمین قابل کشت	رشد جمعیت شهری جمعیت جوان مذکر نرخ مرگ و میر مادران امید به زندگی	

### گزارش امنیت انسانی<sup>۱</sup>

این مدل بر اساس تعریف مرکز امنیت انسانی دانشگاه بریتیش کلمبیا بوجود آمده است و همان طور که پیش از این نیز بدان اشاره شد با هدف عملیاتی تر کردن و کاربردی تر کردن مفهوم امنیت انسانی به ارزیابی شاخص هایی می پردازد که بیش از هر چیز قابلیت اندازه گیری داشته باشند. بدین ترتیب مدل مذکور محدود ترین مجموعه ی عوامل ممکن را در بر می گیرد که در جدول شماره ی چهار به آن اشاره شده است.

با وجود این که ظاهراً تعداد نواقص این مدل از سایر مدل ها کمتر می باشد اما در عمل محدود نمودن مجموعه ی عوامل مخل امنیت انسانی به حدی که در این مدل انجام گرفته است ضربه ی بزرگی به ماهیت مفهومی آن وارد ساخته و در عمل آن را بلااستفاده می سازد. این روش حتی در راه رسیدن به روشی سریع و عملیاتی که هدف اصلی از طراحی آن می باشد نیز نمی تواند موفق باشد. چراکه ایجاد ابهامات در تعاریف مربوط به تلفات ناشی از قتل عام یا جنگ و خصوصاً در تعیین این که عواقب غیر مستقیم

<sup>۱</sup> The Human Security Report

این تهدیدها در قالب قحطی و بیماری‌های واگیردار را تا چه حد می‌توان تهدید علیه امنیت انسانی به حساب آورد از کیفیت آن می‌کاهد.

جدول چهارم: مدل گزارش امنیت انسانی

شاخص‌های تشکیل دهنده ی مدل		نام مدل
تلفات ناشی از قتل بازاء هر صد هزار نفر	تلفات ناشی از درگیری‌های مسلحانه بازاء هر صد هزار نفر	گزارش امنیت انسانی

### شاخص مرگ و میر در امنیت انسانی<sup>۱</sup>

مدل HSMI که توسط اوون ارائه گردیده است را می‌توان بی‌نقص‌ترین مدل سنجش برای امنیت انسانی در بین مدل‌های موجود به شمار آورد. یکی از نقاط قوت این مدل تکیه بر تلفات انسانی ناشی از تهدیدها برای محاسبه است که علاوه بر ساده‌سازی عملیات سنجش به واسطه‌ی سادگی جمع‌آوری داده‌ها امکان بروز مباحثات نظری را کاهش می‌دهد و در عین حال دارای مزایای دیگری است که در بررسی مدل پیشنهادی بدان اشاره خواهد شد. شاخص‌های مورد اندازه‌گیری در این مدل در جدول شماره ی پنج نمایش داده شده‌اند.

جدول پنجم: شاخص مرگ و میر در امنیت انسانی

شاخص‌های تشکیل دهنده ی مدل				نام مدل
تلفات ناشی از قتل	تلفات ناشی از جنگ	تلفات ناشی از بلایا	تلفات ناشی از بیماری‌ها	شاخص مرگ و میر در امنیت انسانی

با وجود تمام مزایایی که به آن اشاره شد این مدل نیز دچار مشکلاتی است که به دلیل اهمیت این مدل و شباهتی که با مدل ارائه شده در این مقاله وجود دارد با دقت بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرند. نخستین مسئله این که این مدل با تعیین حوزه‌های محدودی از امنیت انسانی، ورود سایر عوامل تهدیدکننده را به مدل امکان‌ناپذیر ساخته

<sup>۱</sup> Human Security Mortality Index

است. برای نمونه پدیده هایی مانند تصادفات رانندگی و حوادث ناشی از کار از جمله تهدیدهایی هستند که هر روزه جان انسان ها را در معرض خطر قرار می دهد و بخش عمده ای از این حوادث نیز قابل اجتناب است. برای مثال در مورد تصادفات رانندگی، نسبت تأثیر این عامل و شدت تهدید آن با توجه به ایمنی راه ها، وسائط نقلیه و رعایت قوانین در کشور های مختلف متفاوت است. به این ترتیب در حالی که چنین پدیده هایی به وضوح در محدوده ی امنیت انسانی قرار می گیرند، در نظر نگرفتن چنین عواملی از دقت مدل اوون کاسته است. مسئله ی بعد، این که مدل HSMI که با هدف ساده سازی اندازه گیری به تلفات توجه ویژه ای نموده است در تبیین نحوه ی تأثیر عوامل تهدید کننده ای که کشنده نیستند و در مدل اولیه لحاظ نمی گردند، دچار تناقضات ساختاری می گردد. برای رفع این معضل اوون نسخه ی جدیدی از مدل را ارائه می دهد که سطح بررسی امنیت انسانی را از سطح ملی به سطح محلی می کشاند و با بحث بر سر این موضوع که تهدید های محلی که در هر منطقه شدت معینی داشته باشند باید به طور خاص برای آن منطقه تعیین شده و مورد بررسی قرار گیرند تا بدین ترتیب امنیت انسانی به صورت منطقه ای به دقت تبیین شود، روش محاسبه ی تلفات را با روش مبهم محاسبه ی شدت تهدید جایگزین می سازد. در عین حال اوون برای تعیین عوامل تهدید کننده و شدت آنها از مصاحبه و مشاهده بهره گرفته است و در واقع می توان گفت برای دقیق کردن مبانی نظری دوباره زمینه های مبهم مورد اختلاف را در روش خود وارد می سازد. حتی در این صورت نیز نمی توان کاملاً مطمئن بود که تهدیدات جدی و پنهانی که زمینه ی ظهور آن غیر قابل پیش بینی است کشف و خنثی گردند. البته مقصود از ابهام آن نیست که روش محاسباتی او برای تعیین شدت تهدید و نقاط بحرانی روش دقیقی نیست اما موضوع اساسی در بحث امنیت انسانی مجاب ساختن پژوهشگران و جامعه ی آکادمیک نیست بلکه ارائه نمودن یک معیار دقیق، قابل مقایسه و همه پسند از چیزی است که دولت ها و جوامع برای بهبود وضعیت امنیت انسانی باید آن را درک نموده و مورد توجه قرار دهند. در نهایت تهدیداتی که حتی به وسیله ی متدولوژی ابداعی اوون قابل اندازه گیری نیستند به مانند سایر روش های جزئی نگر به سادگی توسط او از حیطه ی تعریف امنیت انسانی کنار گذارده می شوند. او در جایی به وضوح پرداختن به این تهدیدات را وظیفه ی مفاهیم دیگری غیر از امنیت انسانی می داند. [۱۴]. از سوی دیگر با این که روش تعیین شاخص های امنیت انسانی در سطح محلی بر اساس روش اوون بسیار وقت گیر و پر هزینه می باشد با تغییر عوامل تهدید کننده یا بوجود آمدن عوامل جدید به واسطه ی تحولات سیاسی، اقتصادی و ... نیاز به انجام پژوهش های میدانی جدید خواهد بود که البته عملیاتی

بودن و جاذبه های استفاده از آن را بشدت کاهش خواهد داد. با وجود تمام موارد مذکور به طور خلاصه باید گفت روش مذکور در ارائه ی راه کار های عملی برای ارتقای امنیت انسانی مؤثر است و به این دلیل در مقاله ی حاضر به عنوان یک ابزار فرعی در ساخت مدل راه کاری مورد استفاده قرار گرفته است که البته بدان اشاره خواهد شد. به عنوان یک جمع بندی، مدل های مهم امنیت انسانی و نقاط ضعف عمده ی آن ها در جدول شماره ی شش نمایش داده شده اند.

### معرفی یک مدل کاربردی برای سنجش امنیت انسانی

با توجه به معایب مدل های ارائه شده برای سنجش امنیت انسانی که پیش از این اشاره شد، مقاله ی حاضر با هدف به حداقل رساندن این نقاط ضعف به معرفی یک مدل کاربردی و جدید برای سنجش امنیت انسانی پرداخته است. این مدل که با نام مدل عمومی امنیت انسانی<sup>۱</sup> نامیده می شود تلاش دارد با ارائه ی یک ابزار مناسب در سنجش امنیت انسانی، مبنای مناسبی در مقایسات مربوط به این مفهوم ایجاد نماید. این مدل همچنین در کنار دو مدل پیشنهادی دیگر، پایه و اساس مدل جامع امنیت انسانی را تشکیل می دهد که یک مدل کامل برای مدیریت امنیت انسانی می باشد و مشروحاً در قسمت بعد مورد بحث قرار می گیرد. در این جا با توجه به کلیدی بودن نقش مدل عمومی امنیت انسانی به تبیین مبانی نظری آن پرداخته می شود.

نخستین اصل در تبیین این مدل استفاده از تعریفی است که امروزه به عنوان پایه ی تعریف امنیت انسانی مورد استفاده قرار می گیرد [۱] و به این صورت ارائه شده است: «امنیت انسانی عبارت است از محافظت از هسته ی حیاتی<sup>۲</sup> زندگی تمام انبای بشر در برابر تهدیدات مخاطره آمیز»

<sup>۱</sup> Human Security General Index (HSGI)

<sup>۲</sup> Vital Core

جدول شش: مدل های مهم سنجش امنیت انسانی و نقاط ضعف عمده ی آن ها

شاخص مرگ و میر در امنیت انسانی	مدل گزارش امنیت انسانی	شاخص عدم امنیت انسانی	ممیزی امنیت انسانی	فقر تعمیم یافته	مدل مورد بررسی
					ضعف های عمده
			*		شاخص های مبهم
		*	*	*	در دسترس نبودن اطلاعات و آمار
*	*	*	*	*	محدود بودن مدل به عوامل خاص
		*		*	تکیه بر شاخص های مورد اختلاف
		*	*	*	اختلاط مفهوم با مفاهیم توسعه ای
*	*	*			فاصله گرفتن از مفهوم امنیت انسانی به واسطه ی نادیده گرفتن بخش عمده ای از عوامل
*					هزینه بالا
*				*	نیاز به اصلاح مدل در طول زمان
			*		عدم رعایت تقارن در مدل (شاخص های غیر هم وزن)

با وجود تفاوت های جزئی، این تعریف اساس بسیاری از مدل های ارائه شده در زمینه ی امنیت انسانی را تشکیل می دهد [۹] اما به دلیل ابهامات عملیاتی که در آن نهفته است اغلب طراحان به ناچار برای استفاده از این تعریف به عنوان یک معیار ناچار می شوند مفاهیم را در جهاتی تفسیر نمایند که علاوه بر ایجاد زمینه ی اختلاف نظر گاهی حتی بر کیفیت مدل اندازه گیری و مبانی نظری آن تأثیر منفی می گذارد. نمونه ی چنین تأثیری را همان گونه که اشاره شد در مدل اوون می توان دید که در آن دشواری ارزیابی برخی از تهدیدات علیه امنیت انسانی طراح را واداشته است که اساساً حضور این تهدیدات را در مفهوم امنیت انسانی نادیده بگیرد.

با هدف ایجاد یک همگرایی بین نگرش های کلی نگر و جزئی نگر، مقاله ی حاضر از سویی وجود ابهام در تعریف را می پذیرد و کلی بودن آن را مورد تأیید قرار می دهد اما از سوی دیگر برای اجتناب از گرفتار شدن در تله ی نگرش جزئی نگر، در ساخت مدل اندازه گیری به جای معین کردن لیست محدودی از مصداق های تهدید علیه امنیت انسانی به اندازه گیری یک نمایه می پردازد که به بهترین شکل نماد تهدید علیه امنیت انسانی باشد و به بیان دیگر در واقع بجای اندازه گیری امنیت انسانی آن را با بهترین پارامتر ممکن برآورد می نماید. این پارامتر که رکن مهم دیگر مدل ما را تشکیل می دهد، "تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه" است و منظور از آن نسبت کسانی است که در محدوده ی زمان و مکان مورد بررسی در اثر عواملی که امکان اجتناب یا از بین بردن آثار مهلک آن ها وجود داشته فوت نموده اند.

به این ترتیب مرگ و میر ناشی از هر عامل در صورتی که امکان اجتناب از آن وجود داشته باشد باید به عنوان نمایه ی اصلی در سنجش امنیت انسانی به حساب آید. این عوامل می توانند حوادثی از قبیل جنگ، قتل عام، بلایای طبیعی، بیماری های واگیردار و حتی حوادث رانندگی و حوادث ناشی از کار باشند که البته فقط به عنوان نمونه مطرح شده اند و هدف ابداً محدود کردن لیست این عوامل نیست.

در توضیح بیشتر باید گفت از آنجایی که ما قصد بدست آوردن یک شاخص عملیاتی را برای اندازه گیری امنیت انسانی داریم و در عین حال نمی خواهیم مفهوم امنیت انسانی را محدود نماییم، چنین استدلال می کنیم که میزان مرگ و میر های ناشی از حوادث قابل اجتناب در هر جامعه بیانگر میزان اهمیت نسبی امنیت انسانی در آن جامعه است و از این لحاظ اگرچه که آمار مرگ و میر ها نمی تواند بسیاری از فاکتور های مرتبط با امنیت انسانی را مستقیماً بسنجد اما در عین حال خود تخمین و برآورد بسیار مناسبی از وضعیت امنیت انسانی به حساب می آید. پس از یک سو تعریف را محدود نکرده ایم و از سوی دیگر یک شاخص بسیار عملیاتی تعریف نموده ایم که بسیار ساده محاسبه می شود و در عین حال می تواند وضعیت شاخص واقعی را (که محاسبه ی آن به لحاظ روش شناختی بسیار دشوار است) تا حد معقولی برآورد نماید تا ملاک مقایسات واقع شود.

گذشته از مزایای فراوانی که در انتخاب این نمایه وجود دارد و شرح آن خواهد آمد، علت بنیادین انتخاب این پارامتر بر این فرض اساسی استوار است که جان هر انسان سوای ویژگی های جمعیت شناختی، ملیت یا نژادی او دارای یک ارزش مطلق است و با وجود اختلافات فراوان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در جوامع مختلف وجود دارد نمی توان منکر این حقیقت شد که مرگ هر انسان در هر مکان و زمان و در اثر هر عاملی به

یک اندازه فاجعه بار است. مطلق بودن این ارزش دقیقاً همان خصوصیتی است که باید مبنای هر اندازه گیری و مقایسه ای را تشکیل دهد.

ویژگی مهم دیگر در این نمایه، نهایی بودن آن است. به طور خلاصه باید اشاره کرد که امنیت انسانی متأثر از حوزه های بسیار متنوعی است که درعین حال خود دارای تأثیرات متقابل هستند. تنیدگی این چرخه ها سبب می گردد که عدم امنیت در یک حوزه به سادگی به حوزه های دیگر نیز تسری یابد. عدم توجه به این مسئله ممکن است سبب شود که با محاسبه ی اثر حوزه های متفاوت به طور جداگانه و نادیده گرفتن تأثیر آن ها بر یکدیگر اثر یک عامل در حوزه های متفاوت به کرات سنجیده شود. به کار بردن آمار تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه این مشکل را حل می نماید به طور ی که در هر حال تأثیر عوامل مختلف فقط یک بار و با تعیین عامل اصلی مرگ سنجیده می شود که عامل مستقیم نامیده می شود. در پاسخ به این انتقاد که پس به این ترتیب اثر حوزه هایی که به طور غیر مستقیم زمینه ی مرگ را فراهم آورده اند نادیده انگاشته می شود باید یادآوری کرد که HSGI تنها یک شاخص عمومی برای سنجش امنیت انسانی است. تعیین عوامل غیر مستقیم، ارائه ی راه کار و پیش بینی تهدیدها در بخش دیگری از مدل جامع پیشنهادی مورد بحث قرار خواهد گرفت. تفکیک نقش این مدل ها یکی دیگر از نقاط قوت مدل پیشنهادی است.

مسئله ی بسیار مهم دیگری که باید در خصوص HSGI بدان اشاره نمود و ممکن است مبنای انتقاد واقع شود آن است که پذیرش این حقیقت که به کار بردن تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه، استفاده از یک برآورد است و طبعاً با حقیقت فاصله دارد به این ترتیب مثلاً با در نظر نگرفتن تعداد مجروحین حوادث قابل اجتناب یا آسیب های روانی ناشی از حوادث، دقت پایینی دارد. پاسخ به این مسئله بخش بسیار مهم دیگری از چارچوب نظری مدل پیشنهادی را تشکیل می دهد که البته پیش از این نیز بدان اشاراتی شد. مقاله ی حاضر قویاً بر آن است که تعداد تلفات قابل اجتناب می تواند کلیه ی تهدیدات علیه امنیت افراد را برآورد نماید چراکه این آمار با اندازه گیری ناتوانی در اجتناب از شدیدترین تهدید علیه امنیت انسانی (مرگ) در واقع نشانگر میزان ناتوانی هر جامعه در حراست از امنیت انسانی است و به بیان دیگر این نمایه نشانه ای از اهمیت نسبی امنیت انسان در هر جامعه به شمار می رود. میزان تلاش و توان جوامع در جلوگیری از تلفات انسانی به این اهمیت بستگی دارد و در عین حال وجود همین توان در محافظت از امنیت انسان در برابر تمام تهدید های دیگر با هر شدت و در هر زمینه ای مستقیماً تأثیر گذار است.

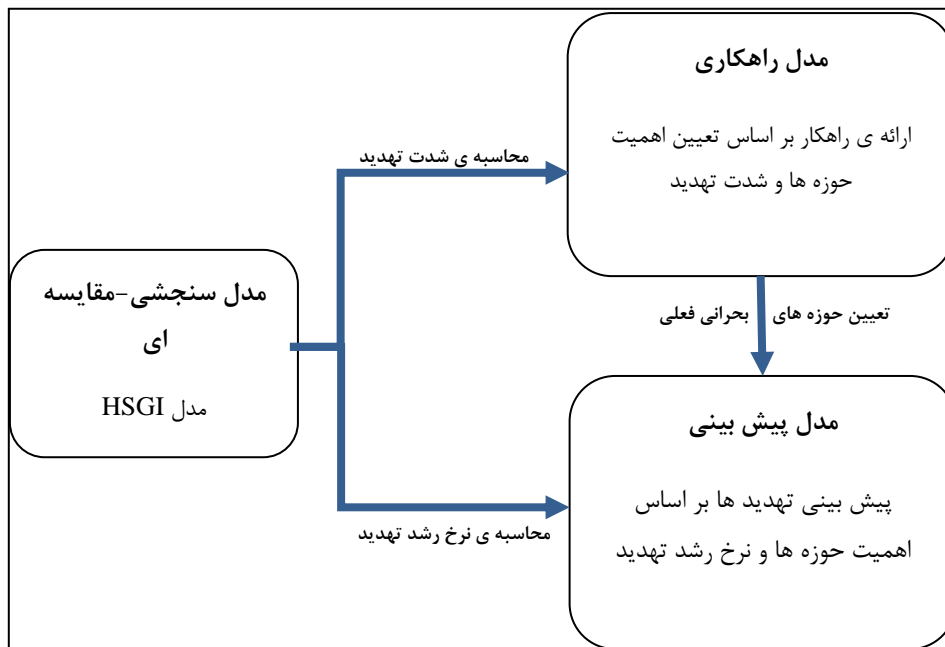
- در این جا مهمترین مزایای کاربرد نمایه ی تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه را به عنوان شاخص اساسی اندازه گیری در مدل HSGI به اختصار بیان می کنیم:
- تقریباً در تمام کشور ها حتی در فقیر ترین آن ها آمار تلفات انسانی و دلایل آن جمع آوری و مستند می گردد. بدین ترتیب اطلاعات مورد نیاز برای این اندازه گیری بسیار در دسترس و محاسبه ی آن ساده است. این امر حتی می تواند کشورهای بسیار فقیر را برای استفاده از آن ترغیب نماید.
  - شاخص مورد اندازه گیری به دلیل اتکا بر یک ارزش مطلق غیر قابل انکار (ارزش مطلق جان انسان) به ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و یا دیدگاه پژوهشگران وابسته نیست و اهمیت آن نمی تواند به بهانه ی تفاوت جوامع نادیده گرفته شود. به این ترتیب نتایج حاصل از مقایسات آن قابل انکار نبوده و می توان به عنوان یک شاخص عمومی و همه پسند مورد استفاده قرار گیرد.
  - این شاخص به اندازه گیری ابعاد خاصی محدود نشده است. بدین ترتیب در طول زمان با اضافه یا کم شدن حوزه های تهدید نیاز به تغییر و اصلاح در مدل وجود نخواهد داشت.
  - با توجه به این که امنیت انسانی می تواند حوزه های بسیار وسیعی را شامل شود که برخی از آن ها ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرند، از آن جایی که این شاخص برآورد کننده ی وضعیت امنیت انسانی به طور کلی است، می تواند حتی زمینه های نادیده گرفته شده را برآورد نماید. حوزه های خاصی مانند امنیت انسانی در محیط های مجازی و امنیت اخلاقی به این ترتیب در قالب وضعیت کلی امنیت انسانی برآورد می گردند.
  - این مدل برای اولین بار هر دو طیف نگرش کلی نگر و جزئی نگر در زمینه ی امنیت انسانی را در بر می گیرد.
  - نهایی بودن نمایه ی مورد استفاده امکان محاسبه ی چندباره ی یک عامل تهدید کننده را در حوزه های متفاوتی که با یکدیگر همپوشانی دارند از بین می برد.
  - مقایسات این مدل به سطح خاصی وابسته نیست بلکه می توان آن را در سطوح مختلف (محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی) اندازه گیری نمود و مبنای مقایسه قرار داد.
  - این شاخص با تمرکز بر حیاتی ترین بخش امنیت فردی هر انسان دقیقاً بر مبنای تحول جدید در نگرش به امنیت مطرح شده است. لازم به اشاره است که برخی از

نگرش های امنیت انسانی با تکیه بر زمینه های امنیت منطقه ای یا ملی هنوز تحت تأثیر نگرش های سنتی به مقوله ی امنیت انسانی قرار دارند. [۶]

- با کمک تفکیک مدل اندازه گیری از مدل های راه کاری و پیش بینی از فشار بی موردی که مدل های موجود برای ادغام این مدل ها تحمل نموده اند و اغلب باعث افزایش ابهام و کاهش کیفیت بوده، اجتناب گردیده است.

## مدل جامع امنیت انسانی

مدل HSGI به عنوان یک مدل سنجشی و مقایسه ای، بخشی از مدل جامع امنیت انسانی را تشکیل می دهد که در شکل ۱ نمایش داده شده است و به جهت تبیین ارتباط مدل سنجش با دیگر ابزار های آن در این جا به طور مختصر معرفی گردیده است.



شکل یک: مدل جامع امنیت انسانی

مدل جامع امنیت انسانی بر این اساس که سعی دارد با تفکیک ابزار های مختلف مورد استفاده برای بهبود وضعیت امنیت انسانی زمینه ی استفاده ی مؤثر تری را فراهم آورد، از سه بخش اصلی تشکیل یافته است:

- مدل سنجشی - مقایسه ای : مدل HSGI که پیش از این به طور کامل به معرفی آن پرداخته شد.

- مدل راه کاری: که با استفاده از ایده ی ارائه شده در مدل اوون و بر اساس یافتن حوزه هایی که بر امنیت انسانی در سطح محلی تأثیر گذارند به معرفی راهکار ها ی ارتقاء آن می پردازد. در این روش با استفاده از روش های میدانی به تعیین حوزه هایی پرداخته می شود که در سطح محلی بر وضعیت امنیت انسانی تأثیر گذار است. به این ترتیب می توان بر اساس اهمیت هر حوزه در محدوده ی محل مورد مطالعه (که توسط کارشناسان در سطح محلی تعیین می گردد) و شدت اثر آن عامل (که بوسیله ی HSGI بر اساس میزان مهلک بودن آن محاسبه شده است)، نقاطی را که دارای وضعیت بحرانی هستند شناسایی نموده، برای حل مشکل در این حوزه های بخصوص راهکارهای عملی ارائه کرد.

- مدل پیش بینی:

یکی از اشکالات بزرگ در مدل های ارائه شده برای سنجش امنیت انسانی آن است که این مدل ها در واقع پس از وقوع تهدید علیه امنیت انسانی و بر اساس یک فرآیند گذشته نگر به محاسبه ی آن می پردازند. به این ترتیب در بهترین شرایط می توان انتظار داشت که زمینه ی اثر آن در آینده محدود گردد. برای رفع این مشکل، در مدل جامع امنیت انسانی مدل هایی برای پیش بینی طراحی می شوند که با کمک آن ها بتوان زمینه های حساس امنیت انسانی در هر محل را پیش از رسیدن به حد خطرناکی که حوزه ی عمل مدل های راهکاری است، تشخیص داد و از تبدیل آن به وضعیت بحرانی جلوگیری نمود. در این جا به جای استفاده از شاخص شدت اثر، از شاخص نرخ رشد استفاده می گردد و نحوه ی عمل به این گونه است که با در نظر گرفتن نرخ رشد تلفات ناشی از یک عامل مستقیم یا غیر مستقیم در صورتی که این نرخ از حد خاصی فراتر رود عامل مؤثر به عنوان یک عامل بالقوه ی تهدید کننده ی امنیت انسانی شناسایی شده و پیش از تبدیل شدن به وضعیت بحرانی به کمک اقدامات پیش گیرانه مهار می گردد.

## نتیجه گیری و بحث

با توجه به گستردگی موضوع امنیت انسانی و توجه زیادی که به آن معطوف گردیده است مسئله ی تعیین شاخص ها و طراحی یک مدل مناسب برای اندازه گیری آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بررسی مدل های موجود از ابعاد مختلف نشان داد که این مدل ها دارای ضعف هایی هستند که بر سر راه استفاده از آن ها به عنوان یک مدل عمومی و همه پسند اشکال ایجاد می نماید. استفاده از شاخص های مبهم، در دسترس نبودن اطلاعات و آمار مورد نیاز، محدود بودن مدل به لیست خاصی از عوامل، تکیه بر شاخص هایی که به واسطه ی تفاوت های اجتماعی، فرهنگی و یا اختلاف در نگرش های سیاسی مورد اختلاف هستند، اختلاط با مفاهیم دیگری نظیر توسعه، نادیده گرفتن بخش عمده ای از عوامل تهدید کننده و تضعیف مبانی نظری مفهوم امنیت انسانی به جهت ساده کردن فرایند اندازه گیری، هزینه ی بالا، نیاز به ایجاد اصلاح در طول زمان و عدم رعایت تقارن در شاخص های به کار رفته، از جمله اشکالاتی هستند که در بیشتر مدل ها دیده می شود.

استدلال های ارائه شده همچنین نشان می دهند که مدل امنیت عمومی انسانی که در مقاله حاضر بر اساس نمایه ی تلفات انسانی قابل اجتناب سرانه پیشنهاد شده است، فاقد این اشکالات بوده و به دلیل برخورداری از مزایای فراوان برای استفاده در سطح وسیع به عنوان یک مدل سنجش استاندارد مناسب می باشد. این مدل نهایتاً در کنار مدل های راهکاری و پیش بینی، مدل جامع امنیت انسانی را برای مدیریت امنیت انسانی تشکیل می دهد.

## منابع

1. Alkire, S. (2003). A Conceptual Framework for Human Security. Centre for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity. CRISE. Queen Elizabeth House. University of Oxford
2. Bajpai, K. (2000). Human Security: Concept and Measurement. Kroc Institute. Paper #19. Jawaharlal Nehru University. New Delhi
3. Carnegie Commission (1997). Preventing Deadly Conflict: Executive Summary of the Final Report. Carnegie

- Commission on Preventing Deadly Conflict. Washington DC.
4. Centre for Human Security (2000). HSR Proposal. University of British Columbia. pp. 2-5
  5. Commission on Human Security (2003). Human Security Now. United Nations. New York
  6. Duffield, M. and Waddell, N. (2004). HUMAN SECURITY AND GLOBAL DANGER Exploring a Governmental Assemblage. Department of Politics and International Relations. University of Lancaster
  7. Human Security Report (2005). Centre for Human Security. University of British Columbia. page VIII
  8. King, G. and Murray, C. (2001-02). Rethinking human security. Political Science Quarterly. Vol. 116, No. 4.
  9. Lee, S.W. (2004). Promoting Human Security: Ethical, Normative and Educational Frameworks in East Asia. UNESCO. Korean National Commission
  10. Mack, A. (2002). The Human Security Report Project: Background Paper. Human Security Centre, Liu Institute for Global Issues, University of British Columbia, Vancouver.
  11. Michel, J. (2005). Human Security and Social Development: Comparative Research in Four Asian Countries. Conference on New Frontiers of Social Policy: Development in a Globalizing World. Arusha. Tanzania.
  12. Owen, T. (2002). Body Count: Rationale and Methodologies for Measuring Human Security. Human Security Bulletin. October, Vol.1 No. 3
  13. Owen, T. (2003). Measuring Human Security: Overcoming the Paradox. Human Security Bulletin. October, Vol. 2 No. 3
  14. Owen, T. (2004). Challenges and Opportunities for Defining and Measuring Human Security. Human Rights, Human Security and Disarmament, Disarmament Forum 3. pp. 15-24.
  15. Paris, R. (2001). Human Security: Paradigm Shift or Hot Air. International Security 26. No. 2: 87-102.
  16. United Nations Development Program (1994). Redefining Security: The Human Dimension. Current History. Vol. 94. pp. 229-236.

